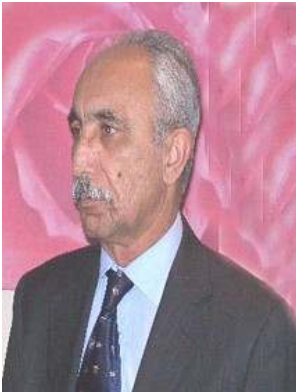


فصلی از کتاب (یاد داشت هایی از تاریخ)

قسمت دوم

طالبان، دشمن زنان، آموزش و پرورش و فرهنگ

طالبان پس از تصرف کابل، دومین فرمان خود در باره ی کار مامورین دولت واز جمله زنان را صادر کردند. ملا



محمد عمر، با انتشار اعلامیه ای ، به مامورین امر بالمعروف و نهی از منکر

وظیفه داد تا شریعت اسلامی را با قاطعیت تمام ، تطبیق نمایند. پس از انتشار

این اعلامیه، مامورین و تفنگداران طالبان ، به زور برچه و تفنگ، احکام اسلا

می را در معرض اجراء قرار دادند. امیر خان متقی، وزیر اطلاعات و فرهنگ

طالبان در مصاحبه ای گفت: « غربی ها که سیاست طالبان در مورد زنان را ضد

حقوق بشر میدانند، زن افغان، از زن دیگر کشورها، منجمله غربی ها، برتری دارد! آنها، دارای کلتور

مخصوص بخود اند. غربیها، حق ندارند چیزی را که در قرآن آمده ، انرا مطابق ستاندرد بین المللی، و مطابق

شرایط اروپا، عیار سازند. ما، عنعنه های افغانی را بخاطر دیگران، تغییر نمیدهیم. واین، یک اصل قبول شده در

اسلام است...»

بر بنیاد این فرمان، سربازان طالبان، یک زن کمک رسانی صلیب سرخ را بتاریخ نهم اکتوبر 1996 م به جرم رعایت نکردن حجاب اسلامی، لت و کوب نمود که بعدا اداره ی صلیب سرخ آنرا به پشاور انتقال داد. سپس صلیب سرخ، به کارمندان خود هشدار داد که پس از شام، از خانه های خود بیرون نشوند. تا مورد تجاوز و ضرب و شتم طالبان قرار نگیرند.

خبرگزاری اسوشیتید پرس خبر داد که طالبان، شهروندان کابل را با ضرب شلاق و میله ی تفنگ، جهت خواندن نماز، به مساجد سوق میدهند. و رهگذر ها را که نماز خود را خوانده باشند هم، روانه ی مساجد میسازند طالبان، مکاتب را به روی دختران بسته اند. و روز نامه ها را مصادره کرده اند...» امیر خان منقی، وزیر اطلاعات و فرهنگ طالبان گفت: «علماء در باره ی نشرات روز نامه ها کدام فتوا نداده اند که طالبان مطابق آن عمل کند. این تصمیم، بعدا گرفته خواهد شد. روز نامه ها و سایر ارگانهای نشراتی، باید احکام قران و شریعت اسلامی را منعکس کنند. نه افکار و گزارش های ضد اسلامی را. ما، طرفدار حکومتی هستیم که به تمام معنا اسلامی باشد. و احکام قران، بدون چون و چرا، عملی گردد...»

روز نامه های انیس و هیواد، و (ده نیوز) که در زمان حکومت استاد ربانی تا اندازه ای آزادی داشتند، توسط طالبان مصادره شدند. تنها روز نامه ی (شریعت) که انعکاس دهنده اندیشه ها و سیاست های طالبان بود، نشرات داشت. کارمندان رادیو تلویزیون، بدون داشتن کدام برنامه و نشرات، به دفتر ها می آمدند و فقط معاش می گرفتند. طالبان، به سلسله ی فعالیت های مذهبی خود، در ماه اکتوبر همان سال یک رول فیلم سینمایی را در سینمای زینب، به آتش کشید. و در محضر شهروندان کابل، سوختاند. تماشاگران صحنه، با حسرت و تاثیر به این وضع درد آور هنر سینما نگاه میکردند. و دعای نابودی هنر را در دل، میخواندند. طالبان میگفتند که دیدن

فیلم های سینمایی در اسلام، حرام است. ولو تریبوی هم باشند. طالبان، با وضع کردن قیودات سختگیرانه مذهبی، زنده گی را برای مردم، اختناق اور و مصیبت بار ساختند. سینما ها و تیاتر و تلویزیون، مورد تاخت و تاز بیرحمانه آنها قرار گرفتند و دروازه های این نهاد های فرهنگی و هنری، برای همیشه بروی مردم بسته شدند. سر بازان طالبان، دو نفر زن را که در نزدیکی پل خشتی، بدون حجاب روان بودند، با ضرب شلاق و دره، بقتل رسانیدند. و به امداد گران زن سازمان ملل متحد و موءسسات خیریه ی بین المللی نیز هشدار دادند که بدون حجاب، بر سر کار خود نروند. و حتا امداد گرانی را که داکتر هم بودند، از کار کردن، منع نمودند.

در ماه فبروی، 1997 رادیو شریعت اعلام نمود که 60 نفر زن به جرم آنکه قوانین اسلامی را عایت نکرده اند، محکوم به جزا گردیدند. همچنان دو نفر زن فرانسوی را که کارمند ضد گرسنگی در کابل بودند، در همین ماه به جرم ترتیب دادن مهمانی و اشتراک کارمندان زنان افغان در ان موسسه، به زندان افکنده شدند. پساً آنها این دو زن، بنا بر وساطت ابراهیم بکر، معاون سازمان کنفرانس اسلامی، از زندان رها و به پشاور انتقال داده شدند. طالبان، در ماه مارچ 1997م 65 نفر مامورین دولت را که ریش های خود را نه تراشیده بودند، ار کار، بر کنار کرد. رادیو شریعت اعلام نمود که 14 زن و 7 نفر مرد دیگر، به جرم رعایت نکردن قوانین اسلامی، لت و کوب و مجازات شدند. تفتیش و کنترول بر اعمال مردم را طالبان در روز های عید، بیشتر میساخت. بدنبال این روش های سختگیرانه ی مذهبی، طالبان فرمان دادند که عکس برداری جا نوران و انسان ها، ممنوع است.

و حتا اگر خارجی ها هم باشند، مجازات میشوند. با همین فرمان بود که یک ژورنالیست ایرانی را در ماه مارچ همان سال از افغانستان اخراج کرد. دلیل اخراج این ژورنالیست ایرانی را پخش و نشر اخبار و اطلاعات غلطه، از طرف رسانه های ایرانی وانمود کردند.

طالبان، در ماه می سال 1998، حدود یکصد زن و مرد را به جرم نه تراشیدن ریش و نپوشیدن چادری، مجازات کردند. در دسامبر 1998 م مقامات قضایی طالبان، پای چپ و دست راست شش نفر را به جرم راه گیری و سرقت، بریدند. و سپس این دست ها و پا های بریده شده را در چهار راهی های شهر کابل، اویزان کردند. پس از گذشت یک هفته، مامورین امر بالمعروف و نهی از منکر، امر کردند که دست و پاها از چهار راهی ها، پایین کرده شوند. طالبان، در ماه حمل 1378 دو مرد و یک زن را در محضر عام مردم، به جرم تامین روابط جنسی، دره زدند. بر طبق اظهارات شاهدان عینی، زن که بر سر خود چادری داشت، و با زدن دره، ناله میکشید و وای خدا میگفت. این زن که فرزانه نام داشت و 25 ساله بود به سبب روابط جنسی با یک مرد، متهم شده بود. مرد، یکماه پیش مجازات شده بود. اما چون فرزانه وضع حمل داشت، جزای او به آینده موکول شده بود. مادر فرزانه نیز، دره زده شد...» (1)

با تطبیق این احکام و وضع قیودات شدید مذهبی بود که حدود سیصد هزار شهروند کابل، خانه های خود را ترک گفته به پشاور و دیگر شهر های پاکستان، متواری شدند. حکومت طالبان در کابل، اعلام نمود که برای زنانیکه شوهران خود را در نتیجه ی جنگها از دست داده اند، معاش مستمری میدهد. اما با شرط آنکه از خانه های خود بدون محرم شرعی، بیرون نشوند. شیر محمد ستانکزی، معین وزارت خارجه طالبان طی سخنانی گفت که وضع این قیودات برای زنان و تحصیل دختران، یک فیصله ی موقتی است شورای طالبان به زودی در این باره فیصله خواهد کرد که زنان چگونه کار کنند و دختران چگونه به مکتب بروند. اما این سخنان، دام فریبی بود برای فرو نشانیدن اعتراض های مردم و جامعه ی جهانی.

طالبان، پس از آنکه دروازه های آموزش را بروی دختران بستند و زنان را در کار بیرون از خانه محروم کردند، موء سسات خیریه ی بین المللی، مکاتب خصوصی و دستگاه های دستی را در کابل، ایجاد کردند. و زنانی را که شوهران خود را در جنگ ها، از دست داده بودند، و برای کودکان خود نان می آوردند، به کار، جذب نمودند. تعداد این مکاتب و موء سسات، نزدیک به یکصد باب می رسید. این مکاتب، عموماً در خانه های شخصی بود و توسط زنان، تدریس میگردید. دختران از سن 14 تا 16 ساله هم در این مکاتب، درس میخواندند. کتب درسی و منابع مالی انرا موء سسات خیریه، تمویل می کردند. بتاريخ 16 جون 1998 مطابق 26 جوزای 1377 ش بر اساس فرمانی، طالبان این مکاتب را هم به روی دختران، بستند. مولوی قلم الدین، معاون اداره ی امر بالمعروف ونهی از منکر طالبان، وعده داد در صورتی که اداره های این مکاتب از طریق وزارت معارف و زیر نظر مستقیم حکومت مکاتب تاء سیس نمایند، با انها همکاری خواهد کرد. اما دختران، از نه ساله به بالا اجازه ی رفتن به مکتب را ندارند. حکومت ناروی، با این اقدام طالبان، در همان ماه جون، اعلام کرد که کمک های دولت خود را به افغانستان توقف میدهد. و بیشتر از این کمک به این کشور، بی معنا است. اتحادیه ی اروپا نیز با همین دلیل اعلام کرد که کمک های خود از افغانستان را قطع میکند. خانم (بونینو) نماینده ی اتحادیه ی اروپا در مصاحبه ای گفت که کمک های اتحادیه ی اروپا به افغانستان قطع شده است. زیرا طالبان موافقتنامه ای را که در ماه می سال 1998 به امضاء رسانیده بودند، نقض کرده اند.

شورای امنیت سازمان ملل متحد هم اقدامات طالبان را غیر انسانی و ضد بشری خواند. یک مقام سازمان ملل در مصاحبه ای به رادیو بی بی سی گفت: « چنین اقدام و جریانی در دنیا کاملن بیسابقه بوده است. حال آنکه از جمله یک میلیون نفوس شهر کابل، حدود چهار صد هزار آن، نیاز شدید به کمکهای صحتی و آب آشامیدنی

دارند. کارمندان غیر دولتی، روزانه با چهار هزار کودک و خانواده های بیوه و بی سرپناه کابل، رسیده گی میکردند. این وضع، به سالهای هشتاد و پنج کمبودی می ماند که رژیم پولپوت، هر نوع فعالیت انسانی و ضد رژیم را بیهرحمانه سرکوب میکرد...»

در اگست 1998 که طالبان برای بار سوم ولایات شمال و شمال شرق، از جمله مزار، بغلان و پلخمری را تصرف نمودند، بدنبال کشتار جمعی مردم و انجام جنایات بشری، به تعداد 55 هزار جلد کتاب کتابخانه ناصر خسرو بلخی را که از کابل به پلخمری انتقال داده شده بود، آتش زدند. در میان این کتاب ها، صدها کتب و نسخ خطی قدیمی و ارزشمند به زبان فارسی نیز وجود داشت که نابود کردند. طالبان، از تصفیه سازی زبانی و قومی هم دریغ نورزیده و هر نسخه و کتابی که بجز از زبان پشتو بدست شان آمد، محو کردند. گویا اینکه مانیفست (دوهمه سقاوی) را در دست داشتند و بر طبق آن، عمل میکردند. آثار هنری استاد (مشعل)، در تالار ولایت هرات نیز از جمله همان قربانیان فرهنگ ستیزی طالبان بود.

یکی از شخصیت های برآزنده دینی و عالم مشهور معاصر عرب، (فهمی هویدی) برای درک حقیقت و فهم نظریات طالبان، در ابعاد اسلامی آن، به مسافرت در داخل افغانستان پرداخت. و پس از مذاکره و مشوره ها با علمای طالبان، مقالاتی در روزنامه های معتبر چاپ لندن (شرق الاوسط) شروع کرد او در این باره نوشت:

«... تمام اسناد طالبان در مورد زنان، از نظر قرآن آیات 32_33-34 سوره احزاب است. که خطاب به زنان پیامبر گفته شده (ای زنان پیغمبر! شما مانند هیچ یک از زنان، نیستید) شما برتر و مصوون تر اید...»

چون رعایت تقوا کنید. پس در سخن، نرمی کنید. که مرد بیمار دل، به طمع خام افتد. و سخن، ناسنجیده گوید.» و در آیه 33 همین سوره آمده است: «در خانه های تان آرام و قرار گیرید و همانند زینت نمایی

دوران جاهلیت، زینت نمایی نکنید.» و در آیه 34 حکم شده: « آنچه از آیات الهی و حکمت در خانه های تان

خوانده می شود، بیاد گیرید که خداوند، باریک بین و دانا است.»

هویدی مینویسد که « همه قیوداتی را که طالبان بالای زنان تطبیق نموده اند، بر اساس همین آیات است. ولی

همه علمای عرب و فقها، این خطاب قرآنی را فقط منحصر به زنان پیغمبر میدانند. نه بر همه زنان مسلمان. اما

طالبان، مخالف نظر همه علمای اسلام تا کید می ورزند که احکام آیات فوق سوره احزاب، بر همه زنان عالم

اسلام قابل تطبیق است. او می افزاید که: مسأله زنان در نزد طالبان، حل است. و این ادعا که میگویند بعد از

اشغال افغانستان و تامین امنیت، به زنان اجازه خواهند داد در بیرون از خانه اشتغال داشته باشند، یک فریب

محض است. همچنان در مورد تحصیل دختران این نیز یک فریب اغوا گرانه است. زیرا آنها، سن تحصیل دختران

را تا نه سالگی و انهم فرا گرفتن علوم و احکام شرعی است. قند هار، پنج سال است که در تصرف طالبان است، اما

تا کنون یک مکتب دخترانه را باز نکرده اند. و این میرساند که آنها در وعده های خود، صادق نیستند و در پی

فریب جهانیان اند.

زمانیکه علمای منطقه ی خلیج و جزیرت العرب علیه تعلیم زنان مخالفت میکردند، وزارت معارف افغانستان در

سال 1936 م مکاتب دختران را تاسیس کرد و اولین کالج دختران را در سال 1949 ضمیمه ی دانشگاه کابل

نمود. اما اکنون طالبان، نتنها افغانستان را به نیم قرن به عقب گردانده اند، بلکه در مسیر معکوس تاریخ، حرکت

میکنند....» (2)

عبدالرب سیاف گفته بود: « خاک کابل، نجس شده است. باید از خاک حلال!! دوباره آباد شود.» طالبان هم

وقتی کابل را تصرف کردند، گفتند: «... کابل، شهر پر از گنه کاران! بود. اما اکنون در حال تبدیل شدن به یک

شهر نمونه‌ی اسلامی است.» هدف هر دو گروه، (سیاف و طالبان) حاکمیت 14 ساله‌ی حزب دموکراتیک خلق در افغانستان بود که روس‌ها را برای حفظ حاکمیت خود به افغانستان آورده بودند. ولی حالا که اعراب، پاکستانی‌ها و غربی‌ها در خاک ایشان حکمروایی می‌کردند، خاک کابل، داشت که در حال حلال و پاک شدن بود. و گناهان آنها نیز بخشیده می‌شد.

بریدن دست و قطع کردن پای مجرم در این عصر که داعیه‌ی حقوق بشر در سراسر کره‌ی زمین سایه افکنده است، نوعی تبه‌کاری است و عملی است که با توحش و قساوت، دلالت می‌کند. آیت‌الله شریعتمداری، که یکی از روحانیون بزرگ ایران است، می‌گوید: «... مجازات شرعی، هنگامی رواست که حکومت اسلامی نخست زمینه‌های عینی ارتکاب جرم را از بین ببرد... یعنی اگر فقر و نیاز به لطف و حکومت عدل، ریشه‌کن شود و باز هم کسی دست به مال دیگری دراز کند، آنگاه، مستوجب عقوبت است...» (3) مولوی متوکل، وزیر خارجه‌ی طالبان در مصاحبه‌ای با یک ژورنالیست خارجی که پرسید: چرا مردم را شما در استدیوم ورزشی که محل تفریح جوانان است، اعدام می‌کنید؟ گفت: «اگر شما غربی‌ها برای ما، جای مناسب که دور از شهر باشد، اباد کنید، که ما، گنهکاران را اعدام کنیم، در اینجا، این کار را نمی‌کنیم!!!»

_____ (ادامه دارد)

(1 و 2) هفته‌نامه‌ی امید، شماره‌ی 41 _ سال هفتم، صفحه‌ی دوم

(3) روزنامه‌ی کیهان، شماره‌ی 764؛ سرطان 1378 چاپ لندن.

رفقا، دوستان عزیز! نام‌های وطندار ! لطفاً نظرات، پیشنهادات، انتقادات، مقاله‌ها، نوشته‌ها، مضامین و مطالب علمی و تحلیلی خود را جهت نشر به آدرس پوست الکترونیکی سایت بفرستید

admin@vatandar.at



مدیر مسوول : دیپلوم انجینیر عمر محسن زاده

صاحب امتیاز : انجینیر نجیب یوسفی

کلیه حق بر اساس قوانین کپی رایت محفوظ و متعلق به «وطندار» می باشد

برگشت به صفحه نخست

<http://www.vatandar.at/>

بقیه گزیده های مقالات

<http://www.vatandar.at/indexdenael3.html>